



وفاق
مقوم انسجام
شد

اسکندر مؤمنی
وزیر کشور
در گفت‌وگو
با «ایران»

انسجام ملی،
محصول عدالت،
مشارکت و احساس
تعلق است

معاون امور
زنان و خانواده
رئیس جمهوری
در گفت‌وگو با «ایران»

سه‌شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵
۱۳ ربيع الاول ۱۴۴۸ • ۲۵ آگوست ۲۰۲۴
سال سی و دوم
شماره ۹۱۰۶ • ۴ صفحه
Tuesday • 25 August 2026

IranDaily
Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پایداری

ایران

«ایران» نقش گفتمان دولت چهاردهم را در تقویت انسجام ملی بررسی می کند

وفاق؛ از ایده حکمرانی تا سرمایه مقاومت

• برش •

دی و تراشیدن توجیه بشردوستانه از آن ادعا برای جنگی که به مردم ایران تحمیل کرد، بی اعتبار شد. اینچنین بود که در میدان خیابان بودند مردمی که در زمره معترضان بودند یا حتی عزیزی در میان جانباختگان داشتند اما در صحنه دفاع از وطن و مقاومت برابر دشمن جاهتی برای به میان کشیدن شکایت‌ها و گلایه‌ها نمی دیدند. از این منظر، گفتمان دولت چهاردهم، یعنی «وفاق ملی» را که بن مایه سلسله تحولات انسجام بخش پس از آن قرار گرفت، نمی توان صرفاً یک راهبرد برای اداره دولت یا سازوکاری برای کاهش اختلافات سیاسی دانست؛ وفاق در این دوره به تدریج به بخشی از ظرفیت بازآرندگی و قدرت ملی ایران تبدیل شد. در واقع، هر اندازه که دشمن روی شکاف‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حساب باز کرده بود، شکل‌گیری این همبستگی محاسباتش را دشوارتر کرد. دولت وفاق، با همه کاستی‌ها و مشکلاتی که پیش رو داشت، توانست «ایران» را به نقطه اشتراک بخش‌های متکثر جامعه و نفی‌کننده همه اختلافات در برابر تهدید تمامیت ارضی و منافع ملی تبدیل کند؛ زیرا در سایه گفتگمانی که بنیان نهاد، مفهوم «همه ایران» را بر «همه اختلاف‌ها» مقدم کرد.

همبستگی تاریخی بود. شاید و چه بسا حتماً، تجلی همین همبستگی ملی بود که دشمن را به صرافت انداخت تا پیش از آغاز جنگی دیگر علیه ایران، با تشدید تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم و نیز با بیرون کشیدن عروسک خیمه‌شب‌بازی از جعبه چهره‌های اعتراضات اقتصادی به حق مردم را به نفع خود مصادره کند و بعد با گسیل داشتن مزدوران خود به میان مردم، بشود عامل آن حوادث تلخی که در ۱۸ و ۱۹ دی رقم خورد. همدردی با جامعه در شرایطی که به هر ترتیب، در جریان آن رویداد شاهد جان باختن بیش از ۳ هزار تن از فرزندانش بود، کار آسانی نبود. با این حال، وقتی دولت چهاردهم با دستور رئیس جمهوری سامانه «همدرد» را ایجاد کرد تا در آن اسامی همه شهدای آن حوادث، فارغ از اینکه در کدام سمت ایستاده بودند، اعلام شود و اگر نامی جا ماند، با اعلام مستندات و راستی‌آزمایی به سامانه افزوده شود و نیز مردم شاهد آن بودند که مسئولانی به نمایندگی دولت به دیدار خانواده جانباختگان رفتند؛ پیشاپیش سناریوی طراحی شده دشمن برای ادعای کشته شدن ده‌ها هزار نفر در جریان اتفاقات ۱۸ و ۱۹

انسجام اجتماعی؛ وحدت در خیابان

دولتی که خود را متعلق به همه ملت ایران دانست و التزام داد تا منافع ملی را بر هر منفعت دیگری اولویت دهد، در عمل توانست با وجود همه مشکلات و سختی‌های اقتصادی و معیشتی که می‌توانند مسببان اصلی یک گسست قرار بگیرند، کشور را در مسیر ترمیم شکاف‌های اجتماعی و شکل دادن به یک انسجام مثال‌زدنی قرار دهد. به‌جز سهیم ساختن زنان، اقلیت‌ها و اقوام در مدیریت کشور، آنچه سبب توفیق دولت در این امر شد، به رسمیت شناختن مطالبات و جلوگیری از اتخاذ و اجرای تصمیم‌ها و سیاست‌هایی بود که می‌توانست به تعمیق شکاف‌ها و چه بسا تکرار بحران‌های اجتماعی منتهی شود. در یکی از مهم‌ترین این موارد، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، توانست نهادهای عالی کشور را برای جلوگیری از اجرای قانونی همگرا کند که اگر به اجرا می‌رسید، هیچ بعید نبود تکرار بحرانی همچون آنچه در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ روی داد را در پی داشته باشد. اما برخلاف آن سناریو، رویکردی که دولت پی گرفت و سعی کرد به موضع دیگر نهادهای نیز تعمیم و تسری دهد، نتیجه‌اش را در تجمعات مردم در میدان و خیابان نشان داد؛ برای حضور جوانان ایرانی و دفاع

دولت وفاق، با همه کاستی‌ها و مشکلاتی که پیش رو داشت، توانست نقطه اشتراک بخش‌های متکثر جامعه و نفی‌کننده همه اختلافات در برابر تهدید تمامیت ارضی تبدیل کند؛ زیرا در سایه گفتگمانی که بنیان نهاد، مفهوم «همه ایران» را بر «همه اختلاف‌ها» مقدم کرد

و بحران‌های پیش روی کشور، اثر داشته است. مصداق عینی چنین تأثیری را می‌شد در تصمیم شورای عالی امنیت ملی به تعلیق اجرای قانون عفاف و حجاب یا در رأی اکثریت اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب لوایح مرتبط با عضویت جمهوری اسلامی ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، پس از حدود ۱۳ سال معلق بودن وضعیت آن لوایح، مشاهده کرد.

انسجام و وحدت درونی که بین اجزای حاکمیت شکل گرفت، چنان بود که برخلاف همه ادوار گذشته که غیرهمسو بودن دولت و مجلس، به دلیل تعارض‌های جدی سیاسی، در مسیر اصلاح امور ایجاد مانع می‌کرد، در این دوره، باوجود همسو نبودن اکثریت کرسی‌های مجلس با رویکرد سیاستی دولت چهاردهم، نوعی همکاری خارج از انتظار بین دو قوه شکل گرفت. هرچند نمی‌توان انکار کرد که در این همکاری و همگرایی، شخص محمدباقر قالیباف نقش بی‌بدیلی ایفا کرد. او به عنوان شخصیتی که رقیب انتخاباتی پزشکیان بود و در مجلس نیز انتخابش از سوی اکثریت نمایندگان به ریاست، از نفوذ و اقبالش حکایت داشت، به یکی از ستون‌های اصلی خیمه وفاق و انسجام تبدیل شد؛ تا آنجا که در پی جنگ رمضان و ضرورت تلاش برای متوقف کردن جنگ تحمیل شده، این قالیباف بود که به اصرار و خواست رئیس‌جمهوری و البته با حکم رهبر انقلاب، مسئولیت اصلی تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران را بر عهده گرفت؛ حتی به قیمت اینکه پایه‌های دولت و وزارت امور خارجه، سیل شدیدترین حملات و هتاک‌های معتقدان به ایده «جنگ بی‌پایان» قرار گیرد. انسجام و وحدتی که برپایه ایده

وفاق دولت چهاردهم و البته متأثر از الزامات ناشی از جنگ تحمیلی شکل گرفت، چنان بود که در نحو غالب و با صرف‌نظر از معدود دست‌انداذهای ایجادشده از سوی جریان اقلیت تندرو، حکایت از آن داشت که گفتمان وفاق بر روابط و تصمیمات قوای سه‌گانه و نهادهای عالی همچون شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با هدف گره‌گشایی از مسائل

که در آن روز مسعود پزشکیان اظهار کرد، دولت وفاق «میدان جدیدی برای همکاری درون حکومت، بین حکومت و جامعه و درون جامعه» بود. تکیه ایده وفاق، برخلاف ایده‌های پیشین، صرفاً بر شعارها و ایده‌آل‌های بعضاً انتزاعی و فاقد آثار عینی در انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها نبود؛ بلکه برعکس، ارجاعات مشخص و معینی در دولت، از شکل‌گیری تا تعامل با سایر نهادها و قوا و تا پیگیری خواست افشار مختلف مردم داشت.

وفاق سیاسی؛ انسجام در درون

در وهله اول، آنچه دولت وفاق را متفاوت می‌ساخت، نحوه شکل‌گیری و انتخاب سطوح مختلف مدیران عالی دولت بود. دولت پزشکیان الزاماً بنا نداشت دولتی ائتلافی به معنای شرکت سه‌جانبه و مشخص‌کننده سهم و تعداد کرسی‌های مدیریتی برای هر یک از احزاب و جریان‌های حامی و همراه باشد. اما در عین حال، اراده و اصرار رئیس‌جمهوری در روند انتخاب معاونان و وزرای کابینه از طریق شکل دادن به کمیته‌های تخصصی و ارجحیت دادن به تخصص، تجربه و اثرگذاری که هر فرد می‌توانست در حوزه مسئولیتش داشته باشد و ادامه همین رویه، سبب شد دولت چهاردهم از حیث حضور اعضای منتسب به جریان‌های سیاسی مختلف و نیز تعدد مدیران زن و حضور اقوام و مذاهب، اعم از کرد و بلوچ و اهل سنت، در سطوح عالی مدیریت اجرایی کشور، به یک رکورد معنادار دست پیدا کند.

به این ترتیب، وفاق در عرصه سیاسی در وهله اول با حضور مدیرانی از طیف‌های مختلف اصول‌گرای و اصلاح‌طلبی و چه‌بسا جریان‌های رقیب تجلی یافت و سپس به سطح مراودات بین‌نهادی و بین‌قوای تسری پیدا کرد. مروزی بر تحولات و تصمیم‌گیری‌هایی که بویژه در مورد مسائل مهم کشور انجام شد، به نحو غالب و با صرف‌نظر از معدود دست‌انداذهای ایجادشده از سوی جریان اقلیت تندرو، حکایت از آن داشت که گفتمان وفاق بر روابط و تصمیمات قوای سه‌گانه و نهادهای عالی همچون شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با هدف گره‌گشایی از مسائل

گزارش

مهرآه خوارزمی

گروه سیاسی

۲۷ مرداد ۱۴۰۳، وقتی مسعود پزشکیان در پیشگاه نمایندگان مجلس، دولتش را «دولت وفاق ملی» معرفی کرد و در توضیح چیرستی آن بیان کرد یعنی «دولتی که خود را متعلق به همه ملت ایران، موظف به تأمین حقوق شهروندی همه ایرانیان و ملتزم به اولویت بخشیدن به منافع ملی بر هر منفعت دیگری می‌داند»، کمتر کسی گمان می‌کرد که طرح‌ریزی و بنا گذاشتن چنین گفتگمانی به یکی از بنیان‌های اصلی مقاومت ملی و پیروزی ایران در هنگامه مواجهه با جنگی تمام‌شود که اتفاقاً حدود دو هفته پیش از همان سخنرانی و با ترور یکی از میهمانان مراسم تحلیف، نشانه‌های جدی آغاز شدنش پدیدار گشته بود و بعد در دو مقطع ۱۲ روزه و ۲۹ روزه، به تمام‌عیارترین شکل ممکن از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران تحمیل شد. واقعیت امر این بود که چنین دیدگاهی در برخی ادوار گذشته دولت نیز با ادبیاتی کمابیش مشابه مطرح شده بود؛ از «ایران برای همه ایرانیان» که یکی از شعارهای اصلاح‌طلبان بود تا تأکید اعتدال‌گرایان بر «حقوق شهروندی» و «صلح، آشتی و اخلاق» و حتی با مقداری تسامح، شعار «دولت مردمی؛ ایران قوی» در دولت سیزدهم. اینها شعارها و ایده‌هایی بودند که هر یک به نحوی خواست دولت برای معرفی کردن خود به عنوان نماینده عالی و حافظ منافع همه مردم ایران، از هر قشر و به هر عقیده را به نمایش می‌گذاشتند.

با این حال، وفاق ملی برای تبدیل شدن به مبنای انسجام و وحدت، از همان گام‌های اول در مسیری پیش رفت که شکل دادن به یک اکثریت منسجم و هم‌صدا در هنگام مواجهه با دشمن خارجی و امکان صرف‌نظر کردن طیف گسترده‌ای از افراد جامعه از مسائل مورد اختلاف و اعتراض را در برزگانه نیاز کشور به همدلی و وحدت ممکن ساخت. چه اینکه همان طور

